

بیایم توانه بخوانیم!

ترجمه: بابک شهاب
تحریر: بهمن حمیدی

بگوشته از زبان موسی
همه را با اصل متن

فهرست

- ۱- یادداشت مترجمان ۹
- ۲- کارنامه‌ی اجتماعی - هنری پوشکین ۱۳
- ۳- گاه‌شمار زندگی پوشکین ۲۹
- ۴- برگردانده‌ی فارسی اشعار ۳۷
- به ن. گ. لاما‌نوسف ۳۹
- آوازه‌خوان ۴۱
- به دلویگ ۴۳
- به دوستان ۴۵
- به چا‌آدایف ۴۸
- به ژوکوفسکی ۵۰
- دهکده ۵۲
- [مرگ مآلوف] ۵۷
- اسیر ۵۸
- ارابه‌ی عمر ۶۰
- [به پیکارگران معارض با اتحاد روسیه و پروس و اتریش] ۶۲
- به دریا ۶۴

۶۸	شب زمستانی
۷۰	برای دایه‌ام
۷۱	راه زمستانی
۷۳	[برای دکابریست‌های تبعیدی]
۷۵	شاعر
۷۷	[پهلوان مرده]
۷۹	[آرزوی پایانی]
۸۲	به زن کالمیک
۸۴	قفقاز
۸۶	احضار
۸۸	[جان سوخته]
۹۰	[به بهانه‌ی بیستمین سال حیات لیت‌سی]
۹۳	پژواک
۹۴	پاییز
۱۰۰	[تجدید دیدار با تبعیدگاه]
۱۰۴	[دو گورستان]
۱۰۷	[یادمان]
۱۰۹	۵- شرح تلمیحات
۱۱۷	۶- معانی پاره‌ای واژه‌ها
۱۲۹	۷- تصاویر
۷	۸- متن روسی اشعار (صفحه‌بندی از چپ)

یادداشت مترجمان

پاییز، نخستین تجربه‌ی ماست در ترجمه‌ی برگزیده‌های حاضر، بی‌آن‌که از همان ابتدا قصد چنین کاری داشته باشیم. ترجمه را برای عزیزانمان که در همان سرزمین پوشکین زندگی می‌کنند و متناسب با نیاز ما در شناخت این شاعر بزرگ و دشواریاب جهانی صاحب‌رایند، فرستادیم. پاسخ آمد که «دست مریزاد!». جسارت کردیم و به دوستان شاعرمان - که برخی بسیار پروسواس نیز هستند - عرضه‌اش کردیم و به تشویق‌شان چایش زدیم. از ما دو تن، یکی بیشتر مایل بود که کار را ادامه دهیم. پس نشستیم و بحث کردیم و برگزیدیم. هرچه بیش رفتیم و کار را به پاره‌ای قیاس‌ها کشانیدیم، باورمندتر شدیم که در خاک ما پوشکین ناشناخته مانده است؛ زیرا:

- ۱- سمت‌گیری سیاسی - اقتصادی کشور ما در دوره‌های معاصر از چشمه‌ای آب نخورده است که پوشکین بتواند در آن روشنی گیرد. هرچه دریاره‌ی او گفته شده است - که بسیار معدود و ابتر نیز هستند - از دایره‌ی معینی فراتر نرفته است.
- ۲- غالباً مترجمان ایرانی پوشکین کارهای او را از زبانی غیر از زبان روسی ترجمه کرده‌اند و چنان شده است که با وجدان و قطعیت علمی می‌توان گفت، بسیاری را باید به دور ریخت؛ چون جز گمراهی و کژفهمی حاصلی ندارند.
- ۳- برخی فرهیختگان و روسی‌شناسان برجسته نیز که گه‌گاه در کنار کارهایشان سراغی از پوشکین هم گرفته‌اند، گرفتار وسواس وزن و قافیه